

۱۵۹

مقدمه

دکتر سیده فاطمه حسینی میرصفی

تحقیق حاضر پیرامون مسائل کلی، زندگی نامه، آثار و تألیفات سید قطب، مؤلف ارجمنده تفسیر فی ظلال القرآن می باشد، که در آن مسائل مختلف علوم قرآنی چون: ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، قرائت و کتابت قرآن، اسباب نزول و... مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی مسائل علوم قرآنی خط سیری روشن برای طالبان قرآن کریم فراهم می آورد و فتح بابی خواهد بود برای فهم و درک بهتر مفاهیم قرآنی.

زندگی نامه سید قطب

سید بن قطب بن ابراهیم بن حسین شاذلی، در سال ۱۳۲۴ هجری قمری برابر با ۱۹۰۶ میلادی، در روستای «موشه» از توابع استان «اسیوط» مصر به دنیا آمد. پدر وی هندی تبار بود و بزرگ خاندان که می بایست نام و نشان و موقعیت آن را حفظ کند. سید به خانواده ای از نجای روستایی که از نظر مالی در تنگنا قرار گرفته بودند تعلق داشت. پدرش حاج قطب ابراهیم، نماینده حزب محلی مصطفی عامل در روستای موشه و یکی از مشترکین «اللواء» نشریه ارگان حزب بود. سید قطب به دلیل برپایی جلسات مکرر خصوصی در خانه پدرش در نوجوانی، یک فرد آگاه سیاسی شد و ضمن طرفداری از ناسیونالیسم ضد انگلیسی مطبوعات و آثار جهانی را از کتابفروشان دوره گرد محلی تهیه می کرد و می خواند. پدر سید مردی دیندار و مؤمن بود، چنانکه از اهدای کتاب «مشاهد القیامة فی القرآن» روح وی برمی آید. مادرش نیز اهل دیانت بود. سید قطب در اهدای کتاب «التصویر الفنی فی القرآن» چنین می گوید:

۶۴۴۲

این کتاب را به تو ای مادر پیشکش می کنم! چه دیر زمانی در روستا از پس شیشه ها به صدای قاریانی گوش فرا می دادی. که در طول ماه مبارک رمضان در خانه ما قرآن را ترتیل می کردند و من در کنار تو می خواستم مانند کودکان بازی کنم که با اشاره ای قاطع مرا باز می داشتی.

و وقتی در برابر تو بالیدم مرا به دبستان فرستادی و نخستین آرزویت آن بود که خداوند در کارم گشایشی بفرماید تا قرآن را حفظ کنم و آوازی خوش و زیبا عطایم کن تا در هر لحظه آن را پرتو آرام بخوانم!

تحصیل، آموزش و کار سید قطب

وقتی سید قدم به شش سالگی نهاد، خانواده اش تصمیم به علم آموزی وی گرفت. او هنگامی که به طور موقت در مدرسه قرآنی به سر می برد از وقوع حادثه ای به شدت ترسید و به این جهت تنهه شد که پیش از رسیدن به سن ده سالگی قرآن را حفظ کند.

وی وقتی ده ساله شد برای تشبه به مردان در مسجد نماز می گذارد، سید قطب ضمن اثر پذیری از جو خانه روستایی که عناصر وطن خواه به آنجا گرد می آمدند. از استاد خود نیز اثر پذیرفت که وطن دوستی در او موج می زد، سخنرانی های وی در روح و روان سید اثر گذاشت، به این سبب برای مشارکت در انقلاب ملی که در سال ۱۹۱۹ شعله ور شد، درنگ نکرد. سپس خانواده او تصمیم گرفت قطب را به دلیل استعداد فراوانش، پس از فارغ التحصیل شدن از مدرسه موشا، در سال ۱۹۲۰ به قاهره بفرستد. سید قطب بعد از رفتن به قاهره در کنار دایی خود که فارغ التحصیل از زهر بود و در قاهره به تدریس و روزنامه نگاری اشتغال داشت، سکنی گزید.

او به مدرسه مقدماتی عبدالعزیز ملحق شد و سه سال در آنجا گذراند. این مدرسه مدرکی به نام «الکفاءة» به فارغ التحصیلان خود می داد. سپس در فاصله سال های ۱۹۲۹-۱۹۲۸ به مدت سه سال وارد «دارالعلوم مقدماتی» شد که تحصیل در آن پیش درآمدی برای تحصیل در «دارالعلوم»

در سال ۱۹۳۰ به دارالعلوم پیوست. در سال ۱۹۳۳ با دست یابی به مدرک کارشناسی در فقه و فوق دیپلم در علوم تربیتی و تخصص در فنون زبان عربی فارغ التحصیل شد.

وی پس از اتمام تحصیلات، به عنوان دبیر در وزارت معارف به استخدام و شش سال (۱۹۳۹) به تدریس ادامه داد. آنگاه به وزارتخانه منتقل و به عنوان ناظر بر فرهنگ عمومی مشغول کار شد. وی به مدت ۸ سال در این پست بود و در تألیف کتاب های مورد نیاز وزارت برای ارس مشارکت کرد.

۷۴۴۴

وی به دلیل انتقاد از اوضاع داخلی و نیز نگارش مقالات تند سیاسی مورد خشم رؤیاسایش واقع شد و به این جهت تصمیم به استعفا گرفت، ولی تلاش دکتر طه حسین باعث شد که از استعفای خود جلوگیری کند. طه حسین از وی درخواست کرد به مدت دو ماه در منطقه «صعید» به کار بازرسی پردازد.

وی از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ بازرس وزارتخانه بود. طی این مدت طرح‌های زیادی برای اصلاح سیستم آموزشی مصر ارائه داد که همواره به داخل کیسه مخصوص کاغذ باطله مقام‌های ارشد انداخته می‌شد.

سید قطب و گرایش‌های سیاسی

سید، در پی دوستی با محمود عقاد به عضویت حزب وفد در آمد. بعد از دو سال با کناره‌گیری از تمام احزاب مصری، در مقاله شدید اللحنی در مجله «الرسالة» با عنوان «برنامه‌های خود را اصلاح کنید، یا قبل از فوت وقت کنار بکشید» نظر خود را در این باره اعلام کرد.

در سال ۱۹۴۷ م، مجله‌ای با نام اندیشه نو «الفکر الجدید» را منتشر کرد و لکن با توجه به اوضاع اجتماعی، امتیاز آن را لغو کردند.

سید قطب و جمعیت اخوان المسلمین

سید قطب هنگام اقامت در آمریکا درباره جمعیت اخوان المسلمین به خصوص پس از قتل بنیانگذار آن «حسن النباء»، به سال ۱۹۴۹ به تأمل پرداخت. وی پس از بازگشت از آمریکا در تابستان ۱۹۵۱، آنچنان جامعه آمریکا را تقبیح کرد که مجبور شد از وزارت معارف عمومی استعفا کند.

پس از آن با اخوان المسلمین رابطه برقرار کرد و سرانجام در ۴۵ سالگی از طریق «صالح عشاوی» به عضویت اخوان در آمد.

سید قطب بررسی‌های هنری قرآن کریم را از سال ۱۹۳۹ شروع کرد که در سال ۱۹۴۵ در کتاب «التصویر الفنی فی القرآن» تبلور پیدا کرد و در سال ۱۹۴۷ «مشاهد القیامة فی القرآن» را نشر داد.

سید در سال ۱۹۵۲ میلادی به عنوان نماینده جمعیت اخوان المسلمین در «کنفرانس اسلامی مردمی» که در قدس برگزار گردید، شرکت کرد.

در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۴ به دنبال ترور نافرجام جمال عبدالناصر به دست یکی از اعضای اخوان المسلمین بهانه لازم برای یکسره کردن کار اخوان به دست رژیم حاکم افتاد. سید قطب نیز همانند اغلب مبارزان اخوان دستگیر شد و به سختی و به طور بی‌رحمانه مورد شکنجه قرار گرفت.

وی در ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۵، پس از یک محاکمه مضحک، به بیست و پنج سال زندان با اعمال شاقه محکوم شد.

هنگامی که ناصر در اوت ۱۹۶۵ م اعلام کرد توطئه جدید اخوان المسلمین کشف شده است، سید قطب به عنوان رهبر اصلی آن دوباره دستگیر شد و پس از یک محاکمه کوتاه، سید قطب و دو تن از همکارانش به نام‌های محمد یوسف هوش و عبدالفتاح اسماعیل به مرگ محکوم شدند. سپس هر سه تن در سپیده دم ۲۹ اوت ۱۹۶۶ به دار آویخته شدند.

آثار و تألیفات سید قطب

سید قطب زندگی ادبی خود را به عنوان نویسنده، در روزنامه‌ها و مجلات مصری آغاز می‌کند که در آنها چه قبل از ورود به دارالعلوم و چه پس از آن - مقالات گوناگون نشر می‌کرد. در دهه سی میلادی، سید از مقاله نویسان برجسته می‌گردد، به خصوص در مقالات ادبی که در آن با ادیبان برنا و پیر، در مسائلی که مطرح می‌کردند با آرای ادبی و ناقدانه که ابراز می‌داشتند و معمولاً جنگ و جدال در پی داشت، به بحث می‌پرداخت.

در دهه چهل، سید در میان ادیبان و ناقدان، ناقدی نامور گردید به نحوی که در مقالات خود، بیشتر محصولات فکری و ادبی، شعری و نقدی را به بررسی و تحلیل می‌گرفت.

در دهه پنجاه و پس از بازگشت از آمریکا، تقریباً از نگاهستن مقاله‌های ادبی و ناقدانه اعراض می‌کند و به نوشتن مقالات دینی و سیاسی می‌گراید که اغلب آنها انعکاسی از دیدگاه دینی وی است.

سید قطب آثاری نیز در نقد ادبی در عرصه داستان و رمان دارد مانند: «النقد الادبی اصوله و مناهجه».

وی در کنار کتاب‌های ادبی و نقدی خود، آثاری نیز در پژوهش‌های قرآنی و کاوش‌های عمومی اسلامی، افزون بر بررسی‌های تشکیلاتی را به نگارش در آورد که می‌توان به ترتیب زیر برشمرد:

۱. التصوير الفنی فی القرآن = تصویر هنری در قرآن، ۱۹۴۵ م.

۲. فی ظلال القرآن = در سایه قرآن.

۳. العدالة الاجتماعیه فی الاسلام = عدالت اجتماعی در اسلام، ۱۹۴۹ م.

۴. محرکة الاسلام و الرأسمالیة = کشمکش اسلام و سرمایه داری، ۱۹۵۱ م.

۵. السلام العالمی و الاسلام = صلح جهانی، ۱۹۵۱ م.

۷۴۴۶

تفاسیر و تفسیر

۷۴۴۶

۹۲

سال سیزدهم

۶. دراسات الاسلاميه = بررسی های اسلامی، ۱۹۵۳ م.

۷. خصائص التصویر الاسلامی و مقوماته = مشخصه های جهان بینی اسلامی و بنیادهای آن، ۱۹۶۲ م، (زمانی که سید در زندان بود)

۸. اسلام و مشکلات الحضارة = اسلام و مشکلات تمدن، ۱۹۶۲ م.

۹. هذا الدین = دین این است، بعد از سال ۱۹۵۴ م.

۱۰. المستقبل لهذا الدین = آینده در قلمرو اسلام، آغاز دهه ۶۰.

۱۱. معالم فی الطريق = نشانه هایی در راه، ۱۹۶۴ م.

۱۲. مشاهد القيامة فی القرآن، ۱۹۴۷ م.

آثار درباره سید قطب

از جمله آثاری که درباره سید قطب و تألیفاتش نوشته شده است عبارتند از:

۱. سید قطب و منهجه فی التفسیر = سید قطب و شیوه تفسیری او از اسماعیل الحاج امین

۲. سید قطب شهید زنده

۳. ایمازهای هنری در قرآن از دیدگاه سید قطب

۴. شیوه سید قطب در تفسیر، دکتر صلاح الخالدی

۵. سید قطب و میراث ادبی و فکری او، ابراهیم بن عبدالرحمن البلیهی

۶. اندیشه و ادب سید قطب، دکتر سمیره فیاض (به زبان انگلیسی)

۷. عالم ربانی شهید سید قطب، احمد سلیمان الحشماوی

۸. سید قطب: چکیده شرح حال، راه کارش در جنبش، نقدهایی که از او شده، محمد

توفیق برکات

۹. سید قطب یا انقلاب اندیشه اسلامی، محمد علی قطب.

۱۰. همگام با سید قطب در اندیشه سیاسی و دینی او، مهدی فضل الله.

۱۱. سید قطب طلایه دار اندیشه معاصر اسلامی، استاد یوسف العظم.

۱۲. سید قطب بیوگرافی و ادب او، عبدالباقی محمد حسین.

بدین ترتیب، سید قطب از اندک اندیشمندانی است که تا این حد نویسندگان و فرهیختگان

دنایای اسلام را به خود مشغول داشته اند.

تفسیر فی ظلال القرآن

سید بن قطب بن ابراهیم، ۶ جلد، چاپ ۱۳۷۲ هـ / ۱۹۵۲ م.

۷۴۴۷

پیشکش سال سیزدهم

تفسیر فی ظلال القرآن، در میان تفسیرهای قرآن کریم دارای رویکردی سیاسی، اجتماعی، حرکتی و تربیتی است که مؤلف آن به مفسری مجدد با سیاق تفسیری نوینی شهرت دارد و یکی از پیشوایان و اندیشوران اصیل حرکت اسلامی معاصر است.

بنابراین تکرار مکررات فراوانی که در سایر تفاسیر ملاحظه می گردد، در این تفسیر جایی ندارد و در بسیاری از موارد مباحثی بکر و بدیع عرضه کرده است.

شخص مؤلف تمام تجربه قرآنی و نیز رهیافت تفسیری اش را در مقدمه «فی ظلال» چنین خلاصه می کند:

در پرتو قرآن زیستم تا هستی را بسی فراخ تر از بسیاری از ظواهر مشهودش بینم، بزرگتر در حقیقت و بزرگ تر در تعدد جوانبش.

در سایه سار قرآن بار یافتم که تصادف های بصیرت را در عرصه هستی جایی نیست.

در آغاز تفسیر نیز می گوید:

فی ظلال القرآن کتابی است که نگارنده اش با روح، اندیشه، شعور، و همه هستی اش با آن زندگی کرد و گزیده تجربه زنده اش در عالم ایمان را با آن به راز نهاد.

تفسیر «فی ظلال القرآن» در دو مرحله شکل گرفت. باری هنگامی که سید قطب هنوز پای در میدان جهاد، حرکت و دعوت نگذاشته بود و بیش تر از دیدگاه نکات ادبی به قرآن می نگریست، و دیگر بار که همه وجود پیام قرآنی را باز یافت و به صورت عملی به حرکت، تربیت و دعوت ملتمز گشت.

نخستین مرحله پیدایش «فی ظلال»، به سال ۱۹۵۱ در مجله المسلمون برمی گردد که سعید رمضان منتشر کننده این مجله از مرحوم شهید سید قطب خواست تا به گونه پیوسته نوشتاری در آن مجله داشته باشد و سید نیز پذیرفت که مباحثی در تفسیر قرآن با عنوان «فی ظلال القرآن» بنویسد.

در نتیجه تا آیه ۱۰۳ سوره مبارکه بقره، را در مجله المسلمون منتشر کرد و پس از آن تصمیم گرفت عنوان دیگری را برای مقالات خویش در این مجله برگزیند و به خوانندگان وعده داد که به همین ترتیب، تفسیر سوره جزء قرآن کریم را درسی بخش منتشر خواهد کرد.

از آن تاریخ «فی ظلال» از مجله المسلمون درآمد و سرنوشتی دیگر یافت.

و بعد قی، بخش جزء و قدر کثیر ۱۹۵۲ میلادی، یک اثر بود که در وقت آن در عرصه عمومی مشهور شد.

۷۴۴۸

سبب آزارهای روحی و جسمی که می دید، نتوانست کارش را در زندان ادامه دهد. در نتیجه ناشر که قرار داد تفسیر تمامی قرآن مجید را تا پایان با او داشت، از دولت وقت به دادگاه برای جبران خسارت مالی خود شکایت کرد و در نتیجه دولت توافق کرد که سید قطب در زندان تفسیر را به پایان رساند.

در پایان دهه پنجاه میلادی تألیف «فی ظلال» در زندان پایان یافت.

«فی ظلال» در این مرحله گرچه روشی نوین داشت، اما آن نبود که ما امروز شاهدش هستیم بلکه مؤلف دانشمند، پس از کشف نمایش هنری در قرآن و تألیف کتابی در این زمینه و با همین عنوان، آرزو داشت که این کار را در همه قرآن انجام دهد و به تفصیل ویژگی ها و عناوین نمایش هنری را در تمام قرآن عرضه دارد. در این مرحله توفیق یافت بخشی از آرزویش را در مورد نمایش هنری در قرآن برآورده سازد.

وی برخی از خواطر ذهنی، زیبایی، هنر، نمایش هنری و بعضی از مبادی و مناهج تفسیری اش را در تفسیر «فی ظلال» بیان داشت. اما زندان، سید قطب را با مرحله جدیدی از تجربیات قرآنی مواجه ساخت و گستره نوینی از منهج حرکت اسلامی در دعوت، تربیت، جهاد و تغییر بروی گشود و خداوند متعال او را به سوی کشف کلید فهم گنجینه های حرکت آفرین قرآن کریم و بکارگیری اش در مسیر دعوت و جهاد رهنمون گشت.

با سودجویی از این فیض، تفسیر «فی ظلال القرآن» وارد مرحله دوم سرنوشت خود شد و مؤلف محترم با پالایش و ویرایش دوباره، روح ویژه ای بدان بخشید.

این تفسیر با توجه به زمینه های روحی فراهم شده برای سید قطب از قبیل زندان و شکنجه و جاهلیت حاکم، از آیات مکی که تلائم کامل با آن داشت، آغاز شد. از این رو مؤلف شروع این کار را از سه جزء آخر قرآن کریم که تأمین کننده این هدف بود، آغاز کرد و پاره ای از مفاهیم حرکتی جدید را در تفسیر این سه جزء بیان داشت و پس از آن مصمم گشت این روند را در مورد همه قرآن تکرار کند و با بیان تجربه نوین حرکتی اش، روحی دیگر در تفسیر «فی ظلال» بدمد.

جزء نخست تنقیح شده «فی ظلال القرآن» در آغاز سال ۱۹۶۰ توسط دارالاحیاء الکتب العربیه منتشر شد و به این وسیله «نمایش هنری در قرآن» که بیانگر زیبایی و هنر در قرآن کریم بود، قرین دیگری یافت که از گنجینه های حرکتی قرآن کریم، پرده برمی داشت.

سید قطب بدین اعتبار هفستری مجدد گشت که دارای سبک نوینی در قرآن تحت عنوان «سبک تفسیر حرکتی» است.

شاهکار سید قطب در تأمین این هدف جزء هفت و هشت از «فی ظلال القرآن» است که در

بردارنده سوره انعام است.

مؤلف در مقدمه ای که بر این سوره نوشته، حکمت بسیاری از موضع گیری های پیامبر اکرم (ص) را یادآور شده و ضرورت تاسی و به کار گماردن آن حکمت ها را در حرکت اسلامی معاصر گوشزد کرده است، چنان که این دو جزء متمرکزترین، پخته ترین و روشن ترین اجزای «فی ظلال» هستند.

سید قطب در پرتو همین رهیافت، ۱۰ جزء نخست تفسیر «فی ظلال» را نیز تنقیح کرد. وی پس از آزادی از زندان در سال ۱۹۶۴ میلادی، قصد آن داشت که مابقی اجزاء را نیز به ترتیب سابق پالایش کند و اجزای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را نیز در این راستا دوباره نوشت که با احتساب اجزای قبلی، به شانزده جزء رسید. اما سرکشان ستمگر، فرصت را از او سلب کردند و راه را بر او بستند و او را بی آنکه به هدفش برسد، به شهادت رساندند.

هدف و روش سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن

سید قطب در مقدمه تفسیر می گوید:

الحياة فی ظلال القرآن نعمة، نعمة لا يعرفها إلا من ذاتها، نعمة ترفع العمر و تباركه و تزكیه. ۱

همانگونه که در مقدمه تفسیر و نیز آیاتی که آنها را تفسیر و توضیح داده است برمی آید، برخی اهداف و انگیزه هایی که مؤلف کتاب را به نوشتن این تفسیر تشویق و ترغیب کرده است، عبارتند از:

۱. برطرف کردن فاصله عمیق که میان مسلمانان معاصر و قرآن کریم است که «فی ظلال» وسیله ای برای تقرب مسلمانان به قرآن می باشد.
۲. آشنا کردن مسلمانان نسبت به مسئله مهم حرکتی قرآن کریم و بیان طبیعت جهاد دفاعی.
۳. بیان نشانه های راهی که گروه مسلمانان به سوی پرودگارشان ره می سپارند.
۴. بیان وحدت موضوعی قرآن کریم.
۵. تربیت فرد مسلمان که تربیتی کامل و قرآنی است. ۲

روش سید قطب

الف) روش سید قطب در ابتدای تفسیرش به این صورت است که در آغاز بخشی از آیات را ذکر می کند سپس جو عمومی سوره مسائل تاریخی زمان نزول آیه و حقایقی را که آیه را در برمی گیرد، بیان می کند و نیز اهداف و مقاصدی را که سوره یا آیه دنبال می کند.

در ضمن بیان این موارد، فضیلت سوره و اسباب النزول آن و نیز تناسبش را با سوره قبلی بیان

می‌کند و سپس ویژگی‌های دیگری از سوره و آیه را می‌گوید.

سپس برای بار دوم تفسیر تعدادی از آیات را با شرح و توضیح بیانی و اشاره حرکتی و تربیتی بیان کرده و گاهی آثار وارده در تفسیر آیه را متذکر می‌شود.

ب) همان‌طور که بیان شد، روش سید، روشی فکری، حرکتی و تحلیلی است. سید بسیار علاقمند است که خواننده را در بحث‌های لغوی، کلامی و با فقهی، غرق نماید.

ج) در اوائل هر سوره مسائلی پیرامون تعریف سوره بیان می‌کند که این تعریف، تعریفی کامل، موضوعی، بلاغی، هنری، حرکتی و تاریخی است. وی در این تعریف، به خواننده صورتی مجمل و کافی از سوره می‌دهد.

د) همچنین بین سوره مکی و مدنی از جهت طبیعت و موضوعات تقارن برقرار می‌کند.

ه) هر سوره را به دروسی تقسیم می‌کند که این تقسیم‌بندی، موضوعی است و در هر درسی یک وحدت موضوعی را مشخص می‌کند که از مسائل و مقاطع جزئی تشکیل می‌شود.

و) سید قطب از اسرائیلیات به دور است و نیز اختلافات فقهی و اغراق در مسائل لغوی، کلامی و فلسفی و نیز اختلافات مذهبی را ترک می‌کند.

ز) از تفسیر علمی اجتناب می‌ورزد، به جهت اینکه با بیان جزئیات از علوم طب و کیمیا (شیمی) و نجوم، این علوم را بزرگ‌شمارد.^۲

آثار نگاشته شده درباره تفسیر فی ظلال القرآن

ناکنون کتاب‌ها، مقالات و نامه‌های فراوانی پیرامون این تفسیر نوشته شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. مدخل الی ظلال القرآن، صلاح عبدالفتاح الخالدي، جده، دارالمنارة، الطبعة الاولى (چاپ اول)، ۱۴۰۶ هـ، ۱۹۸۶ م.

۲. المنهج الحرکي فی ظلال القرآن، صلاح عبدالفتاح الخالدي.

۳. فی ظلال القرآن فی المیزان، صلاح عبدالفتاح الخالدي.

۴. مفتاح کنوز فی ظلال القرآن، محمد یوسف عباس، قم: دارالکتب الاسلامی، الطبعة الثالثة، (چاپ سوم)، ۱۴۰۶ هـ.

علوم قرآن در تفسیر فی ظلال القرآن

ناسخ و منسوخ

ما نسخ من آية أو نساها نأت بخير منها أو مثلها ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير. (بقره، ۲/۲)

سید قطب این آیه را در ضمن آیات ۱۰۴ تا ۱۲۳ سوره بقره تفسیر می‌کند. این درس در تعقیب مطالب پیشین، بخشی از دسیسه چینی‌ها و دشمنی‌های یهود درباره اسلام و مسلمانان را افشاء می‌سازد و مسلمانان را از نیرنگ‌ها و فریبکاری‌های آنان واز آتش کین و شرارتی که در کانون دل ایشان نسبت به امت اسلامی شعله‌ور است و از نقشه‌های خائنانه‌ای که برای مسلمانان طرح می‌کنند، برحذر می‌دارد و هشدار می‌دهد و پیروان اسلام را از تقلید گفتار و کردار ایشان منع می‌کند. همچنین انگیزه‌های واقعی یهود را که در هاله‌ای از اظهارات و اقدامات فریبرگر و صحنه‌سازی‌های محیلا نه پنهان است، برملا می‌سازد.

به نظر می‌رسد که یهودیان مدینه از نسخ و تغییر برخی از مقررات اسلامی که طبق مقتضیات و شرایط خاص جامعه نو بنیاد اسلامی انجام می‌گرفت. همچون وسیله‌ای برای ایجاد تردید و دو دلی میان مسلمانان استفاده می‌کرده و پیروان آئین جدید را درباره مبدأ این مقررات دچار شک و شبهه می‌ساخته‌اند و به آنان می‌گفتند: که اگر این احکام و مقررات از سوی خدا می‌بود، نسخ و دگرگونی در آن راه نمی‌یافت. این جملات تبلیغاتی هنگامی به اوج خود رسید که قبله مسلمانان در ماه شانزدهم هجرت از بیت المقدس به کعبه تبدیل یافت.

رسول اکرم در آغاز هجرت - به سمت بیت المقدس - قبله و نمازگاه یهود - نماز می‌خواند، یهودیان این را دلیل حقانیت آئین خود گرفته و استدلال می‌کردند که دین درست و قبله درست، دین و قبله یهود است. تا آنجا که پیامبر اکرم در دل - و نه بر زبان - آرزو کرد که قبله‌اش از بیت المقدس به کعبه که خانه‌ای با حرمت و از آن خداست تبدیل شود.

این تمایل قلبی همچنان بود تا اینکه خدای متعال خواسته او را برآورد و وی را به قبله‌ای که از آن خشنود بود برگردانید. و از آنجا که این پدیده حربه جالبی را از بنی اسرائیل باز می‌ستانید و دلیل موهوم آن را باطل می‌ساخت، درصدد برآمدند که از همین پیشامد، حربه تازه‌ای بر ضد اسلام بسازند و تبلیغات فریبرگر خود را از سوی دیگر ادامه دهند.

این بار در اینکه مبدأ و مصدر مقررات اسلام و دستورات پیامبر، وحی الهی باشد خدشه می‌کردند و پایه اعتقاد مسلمانان را هدف حملات تبلیغی خویش می‌ساختند و به آنها می‌گفتند: اگر رو کردن به بیت المقدس در حال نماز، کار نادرستی است پس همه نمازها و عبادت‌هایی که در گذشته به جای آورده‌اید، بیهوده و باطل است و اگر کار بجا و درستی است، رویگردانیدن یونی شما بیجا و غلط است.

در واقع با این وسوسه می‌خواستند مبنای اعتماد قلبی مردم به ذخیره آخرت و ثواب الهی و تکیه بر حکیمانانه بودن رهبری پیامبر اکرم (ص) متزلزل سازند.

دوام و یا انحراف فطرت و سرشت انسان و آنهایی که در قلوب و دل‌هایشان انحراف و گمراهی است و از فطرتشان جدا می‌باشند.

اصول و اساس واضح و روشن و دقیقی را که عقیده و شریعت بر آنها استوار است را رها می‌نمایند و به دنبال تشابهاتی می‌روند که در تصدیقش برایمان به راستی و درستی صاحب رسالت اتکاء می‌کند.

سپس آنهایی که بنا بر دوام و استقامت فطرتی که با الهام مستقیم، صدق و راستی همه این کتاب و همه آنچه را که به حق نازل شده است، را دریافت می‌کنند، و رای این تشابهات حرکت می‌کنند، چرا که آنها در آن زمینه ای می‌یابند که دوری از حقیقت را باعث شده و افتادن و در فتنه به واسطه تأویل‌ها و تفسیرهای متزلزل برای عقاید و نیز اختلافاتی که از فساد افکار نشأت می‌گیرد را نتیجه می‌دهد.

در آنچه که زمینه‌ای برای اندیشه و تفکر انسان در تأویل آن نیست و تأویل آن را جز خداوند سبحان که دارای علم کامل و مطلق است، کس دیگری نمی‌داند.

و أما الراسخون فی العلم: راسخون در علم کسانی هستند که با توجه به علم و عقلشان، زمینه تأویل این آیات را می‌شناسند و نیز در آنچه که نسبت به آن علم و آگاهی ندارند خوض نمی‌کنند و وارد نمی‌شوند.

این افراد می‌گویند: آمنا به کل من عند ربنا، و به خاطر این ایمان مطلق که دارند می‌گویند همه این آیات از جانب پروردگار است و اجازه و اذن تأویل آیات را هم خداوند به آنها عطا کرده است و آنها در می‌یابند که پروردگارشان داناتر است. این تصویری صحیح از راسخان در علم است.

سطحیون کسانی هستند که قشر و پوسته‌های علم، آنها را مغرور و فریفته کرده است. این افراد گمان می‌کنند که همه چیز را می‌فهمند و درک می‌کنند و اگر چیزی را نفهمند و درک نمایند آن چیز وجود ندارد و فرض می‌کنند که ادراک و فهمشان بنابر حقایق است.

اما دانشمندانی که حقیقتاً علم دارند، تواضع و فروتنی‌شان زیاد است و نزدیک‌ترند به اینکه در مقابل عجز عقل بشر تسلیم شوند و این را جز صاحبان خرد و عقل و اندیشه نمی‌شوند. مثل اینکه بین اولوالالباب و رجوع به حق چیزی نیست جز اینکه متذکر شوند و به راه راست و صواب می‌روند.

در این حالت زبان و قلوب و دل‌هایشان را در حال تصریح به سوی خداوند قرار می‌دهند تا اینکه آنها را در راه حق ثابت قدم نگه دارد و قلوبشان بعد از هدایت یافتن گمراه نشود و رحمت و فضل خداوند بر آنها تمام شود.^۵

۷۴۵۵

کتابت و قرائت قرآن

الذین یتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوراة و الإنجیل یأمرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرّم علیهم الخبائث. (اعراف، ۱۵۷/۷)

سید قطب در ذیل این آیه چنین می‌نویسد که: همانا آخرین رسالت، رسالت کامل و تمامی است که اختصاص به قوم جنس و نسل خاصی ندارد. در صورتی که رسالت‌های گذشته، رسالت‌های قومی و منطقه‌ای بودند و محدود به زمان بین دو رسول می‌شد و بشریت بر اساس هدایت این رسالت‌ها گام‌های محدودی را بر می‌داشتند.

و هر رسالتی بنا بر درجه ظرفیت بشریت تعدیل و تغییری را در بر داشت تا اینکه آخرین رسالت آمد که در اصولش کامل و در فروعش قابل انطباق می‌باشد. این آخرین رسالت برای همه بشریت بود، چرا که بعد از این رسالت، رسالت دیگری برای اقوام و نسل‌های بعدی نمی‌آید.

این رسالت بر اساس فطرت انسانی که نزد همه انسان‌ها موجود است، آمده و از این جهت آن را پیامبری اُمی حمل نمود، پیامبری که بر فطرت پاک و مصفا‌ی او جز تعلیم پروردگارش چیزی دیگر داخل نشده بود و در این فطرت از شائبه‌های تعلیم مردم و انکار اهل زمین چیزی وارد نشده بود تا اینکه رسالت فطرت را برای همه مردم حمل نماید و به این جهت است که خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید:

قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً الذی له ملک السموات و الارض؛ بگو ای مردم همانا من رسول خداوند به سوی شما هستم، خدایی که تمام ملک و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست (لا اله الا هو) و دینی جز دین خداوند نیست و نه رسالتی جز آنچه که از جانب اوست «یحیی و یمیت» اوست که فرمانروایی می‌کند، حیات و زندگی و مرگ و آغاز و نهایت را «فأمنوا بالله و رسوله النبی الامی» که خداوند به او تعلیم و آموزش داده و شخصی از مخلوقات را خداوند این گونه تعلیم نداده است. «الذی یؤمن بالله و کلماته» که به خداوند و کلماتش ایمان دارد. «و اتبعوه لعلکم تهتدون» (آل عمران، ۱۵۸/۳) پس او دلیل و راهنمایان است و از راهی که برای هدایت شماست گمراه نمی‌شود.^۶

اسباب النزول

بحث اسباب نزول از جمله مباحثی است که در قلمرو علوم قرآن مطرح بوده و هست. آیه‌ها و سوره‌های قرآنی، از نظر سبب نزول به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. آیه‌ها و سوره‌هایی که سبب نزول خاصی ندارند و سبب نزول آنها سبب نزول عام است

که همان فلسفه نزول قرآن (هدایت، انداز، تبشیر و...) می باشد.

۲. آیه ها و سوره هایی که سبب نزول خاص دارند و متناسب حادثه یا جریانی خارجی نازل شده اند.^۷

سبب نزول، عبارت است از حادثه، یا سؤال و شبهه ای که در عصر پیامبر (ص) اتفاق افتاده و باعث نزول آیه، آیه ها و سوره ای از قرآن شده است که به شکلی اشاره به آن حادثه و یا سؤال و... دارد.

بنابراین اگر آیه یا سوره ای نظریه رخدادهای گذشته تاریخ (قبل از اسلام) داشته باشد، آن رخدادهای سبب نزول نامیده نمی شود. مانند هجوم ابرهه که «واحدی» آن را سبب نزول سوره فیل می داند، در حالی که شرط تقارن زمانی بین سبب و مسبب را ندارد و نباید سبب نزول نامیده شود. آیا همه آیات سبب نزول خاص دارند:

حدیثی از حضرت علی (ع) نقل شده که برخی از آن استفاده کرده اند همه آیات سبب نزول خاص دارند، آن حدیث چنین است:

و ما نزلت آیه الا و قد علمت فیم نزلت و علی من نزلت و بم نزلت.^۸

ولی استفاده آنان، با منظور امام علی (ع) هماهنگ نمی باشد، چه این که مقصود حضرت از این بیان، اثبات این حقیقت است که من به تمام خصوصیات آیات آگاه هستم، می دانم هر آیه در چه موردی و موضوعی نازل شده، مخاطبش کیانند و چرا نازل شده؟ بنابراین روایت یاد شده منافاتی با مطالب گذشته ندارند.^۹

در میان آیات قرآن، برخی بدون هیچ نیاز و وابستگی به شأن نزول، پیام و مفادی روشن دارند ولی دسته ای دیگر از آیات در پرتو شناخت اسباب نزول قابل درکند.

۱. آیاتی که بدون توجه به شأن نزول، فاقد معنا و مفهومی مشخص اند و فهم معنای حقیقی آنها نیازمند آشنایی با سبب نزول آن آیات است.

۲. آیاتی که در مقام تفسیر، دچار ابهام و پیچیدگی های مفهومی هستند و اسباب نزول و راهگشای ما، در تفسیر صحیح و برداشت های واقعی از آن آیات است.

قصه های قرآن در بیان مفسر فی ظلال

قرآن در بسیاری از سوره ها به نقل وقایعی از امت های گذشته می پردازد. اگر چه همواره تفسیر این داستان ها محل اختلاف بوده است، اما در قرن اخیر موقعیت ممتازی یافته است.

۲۴۵۷

معجزات و امور خارق العاده داستان ها:

- معجزه قوم ثمود - ناقة صالح

قرآن در سوره شعراء به این معجزه اشاره کرده است. سید قطب در تفسیر آن چنین می آورد که، قوم ثمود این معجزه را درخواست کرده بودند و خداوند آن را به بنده اش صالح عطا فرموده، سید قطب آنچه را که در توصیف این ناقة آمده است. فاقد سند صحیح می داند و به ذکر آنها نمی پردازد و تنها به این مقدار اکتفا می کند که این معجزه ای بوده با همان ویژگی هایی که قوم ثمود خواسته بودند.^{۱۰}

او در تفسیر آنچه در این مورد، در سوره هود آمده است، می افزاید که: از اینکه در آیه، ناقة به اسم جلاله «الله» اضافه شده (هذه ناقة الله)، و به این قوم اختصاص داده شده (لکم آیه)، در می یابیم که دارای صفاتی ویژه بوده است و آن را از بقیه متمایز می ساخته و به واسطه آن در می یافتند که نشانه ای است از سوی خداوند.

او به همین مقدار بسنده می کند و از پرداختن به آنچه در این باره گفته می شود پرهیز می کند و آنها را اساطیر و اسرائیلیات می نامد.^{۱۱}

اعتبار تاریخ در تفسیر داستان های قرآن

داستان های قرآن، با تاریخ حوزه ای مشترک دارند. از نظر سید قطب تنها مرجعی که می توانست برای تفصیل داستان های قرآن، قابل اعتماد باشد، تورات بود، اگر دستخوش تحریف و دگرگونی قرار نگرفته بود.

حال آنکه می دانیم بسیاری از آنچه در این کتاب آمده، اساطیر و افسانه بیش نیست و از تحریف نیز مصون نمانده است.^{۱۲}

از نظر وی تاریخ نمی تواند مرجع و حکم برای داوری در داستان های قرآن قرار گیرد. به دو دلیل: الف) تاریخ بدون نسبت به عمر بشر، دانشی است جدید التأسیس، از این رو بسیاری از داستان های قرآن از محدوده آن خارج است.^{۱۳} از نظر او داستان طوفان نوح، از جمله داستان های قرآن است که دست تاریخ به آن نمی رسد.^{۱۴}

ب) تاریخ یک عمل انسانی خطاپذیر است که هر آن در معرض خطا و صواب، صدق و کذب، جرح و تعدیل قرار دارد.^{۱۵}

او در جای دیگر تاریخ را یک محصول بشری می خواند که به دروغ و اشتباه آمیخته است چرا که از احاطه به تمام عوامل حرکت ساز تاریخ ناتوان است، از این عوامل برخی برایش پنهان

می مانند و به برخی دست می یابد. اما از همین مقدار هم در تمامی مراحل تمییز و جمع آوری و تفسیر نیز به خطا در می غلتد. او ادعای بشر مبنی بر احاطه عملی به تاریخ و ارائه تفسیر علمی از آن که در صحت آن شکی نباشد را بزرگترین دروغ بشر می خواند. ۱۶

بنابراین هر رجوعی به تاریخ درباره قصه های قرآن، عملی است که پیش از آنکه قرآن آن را باطل بشمارد، قواعد علمی که بشر خود مقرر کرده، آنرا باطل می دانند. بنابراین قرآن یگانه منبع قابل اعتماد در این موضوع است. ۱۷

سید قطب در سر تاسر تفسیر خود از داستان های قرآن به این اصل وفادار می ماند. وی هرگز به دامان اسرائیلیات و اساطیر دست نمی زند و هیچ گاه تمایلی به تفصیل داستان، فراتر از حد آیات قرآن نشان نمی دهد.

تنها موردی که سید قطب در تعیین مصداق قصه های قرآن به تاریخ مراجعه می کند حکایت ذوالقرنین است. شاید به این دلیل که به دوران پس از اسلام تعلق دارد. که قرآن حکایت می کند: ذوالقرنین به درخواست مردمانی برای جلوگیری از حمله قومی که آنها را یا جوج و مأجوج می خواند، سدی می سازد و او خرابی این سد و حمله این قوم را از نشانه های نزدیک شدن قیامت معرفی می کند.

سید قطب با اشاره به اینکه زمان در حساب الهی با حساب بشر متفاوت است می گوید: شاید بین نزدیک شدن قیامت و وقوع آن میلیون ها سال یا قرن فاصله باشد که بشر آن را طولانی و خداوند کوتاه بداند.

او با استناد به آیه قرآن، شروع این زمان را مصادف با ظهور اسلام می داند و این احتمال را ممکن تلقی می کند که سد پس از اسلام و پیش از این فتح درست شده است و احتمال مشخص آن را حمله مغول می داند که با از بین رفتن خلافت عباسیان، فروپاشی حکومت اعراب را موجب شد. ۱۸

هدف قرآن از پرداختن به سرگذشت پیشینیان

از نظر سید قطب، همانطور که در جای جای تفسیر خود می آورد، قرآن کتاب خودسازی و سازندگی و منشور جاودانه زندگی است. قرآن تنها کتاب عقیده نیست، کتاب عقیده برای عمل است. ۱۹

بنابراین از هر موضوعی که سخن می گوید و به هر بحثی که وارد می شود، اگر از زمین می گوید یا آسمان، از حال می گوید یا گذشته، از اقتصاد می گوید یا فرهنگ، همین هدف را

دنبال می کند.

از نظر سید قطب قرآن از گذشتگان سخن می گوید اما با ویژگی های ذیل:

الف) داستان سرایی نمی کند، داستان های قرآن واقعی اند نه افسانه واسطوره و آنها را به منظور ارائه یک کالای هنری حکایت نمی کند. ۲۰

او در تفسیر داستان آدم(ع) در سوره بقره، به قول کسانی اشاره می کند که معتقدند قرآن صرفاً با هدف ارائه کاری هنری، حوادث را می آفریند یا در آن دست می برد. او این سخن را رد کرده و مناسبت موضوعی و سیاق را شکل دهنده به داستان ها معرفی می کند و می افزاید که قرآن کتاب دعوت، قانون، حکومت و روش زندگی است نه کتاب داستان و تاریخ.

ب) قرآن تاریخ نمی گوید، افراد و مکان ها و زمان ها برای او اهمیت ندارد و به تعیین آنها نمی پردازد. ۲۱

ج) هدف قرآن از بیان داستان ها، وجود حکمت های نهفته در آنهاست. قرآن سرگذشت بشر را یک تجربه می داند. یک قصه طولانی در قرآن. مرزهای زمان را در می نوردد، گذشته در حالی تجلی می یابد، تاریخ تکرار می شود، قصه همان قصه است، صحنه همان صحنه و نیروها همان نیرو.

قرآن این تجارب واقعی بشر را نشان می دهد تا توشه ای برای روندگان باشد، بشارتی برای ضعیفان و تهدیدی برای عصیانگران. در قرآن، قصه ابزار ترتیب نفوس و وسیله بیان معانی و حقایق و اصول است. قرآن از گذشتگان حکایت می کند تا عاقبت تکذیب کنندگان و سرانجام مؤمنان را بنمایاند. ۲۲

سید قطب قصه های قرآن را این گونه می بیند. کمتر قصه ای است که او به درس ها و جایگاهش در بیان اهداف سوره اشاره نکند.

سید قطب همواره در کلامش برای تحلیل کلی داستان ها و در بیان حکمت های آن و وجه ارتباطش با آیات قبل و بعد آن سوره از استدلال ها و مبانی عقلانی مدد می گیرد.

آشنایی سید قطب با ادبیات و فعالیت های او در زمینه نمایشنامه نویسی موجب شده تا او با نگاه یک ادیب و داستان پرداز به قرآن بنگرد و در ویژگی داستان های آن تأمل نماید و از این اطلاعات ادبی خود در تحلیل و تفسیر این داستان ها بهره برد.

قسم های قرآن از دیدگاه سید قطب

سوگندهای قرآن کریم از جمله معارف بلند و ارجمند قرآن است که در بسیاری از آیات و سور



آمده است و بخش عظیمی از آیات را به خود اختصاص داده اند و غالباً اصول سه گانه «توحید، نبوت و معاد» مورد اثبات و تأکید قرار گرفته است و با پیوندی ظریف بین «مقسم به و مقسم له» این حقایق روشن گشته است.

در این فصل، سوگندهای خداوند متعال که شامل سوگند به قرآن، ملائکه، قیامت، خورشید و آسمان و... است را از نظر سید قطب بررسی می کنیم.

۱. سوگند به قرآن

- سورة مبارکه یس: یس و القرآن الحکیم

سید قطب در تفسیر «یس» چنین می گوید که در این آیه مخاطب انسان است و «یس» اشاره به انسان دارد و در واقع تصغیر کلمه انسان به «انسیس» است که پس از حذف به «یس» بدل شده است. وی می گوید: قرآن روحی زنده دارد که عواطف بشری را برمی انگیزد و قلب ها را صیقل می دهد و اشتیاق افرادی را در پی بردن به عمق آیاتش زیاد می کند، تا بیشتر بخوانند و دمساز «قرآن» گردند، همانطور که در کنار دوست آرامش می گیرند در کنار قرآن نیز؛ آرامشی وصف ناپذیر خواهند داشت. سید قطب می گوید: آیه «انک لمن المرسلین» بیانگر این نکته است که ارسال رسل یک امر مقرر است و امری بی سابقه نیست که احتیاج به اثبات داشته باشد و در این آیه فقط رسالت حضرت محمد(ص) مورد اثبات قرار می گیرد و خطاب در آیه به حضرت رسول(ص) است، به واقع خبری مستقیم از جانب خداوند است و انکاری آشکار بر عقاید منکرین «نبوت» است.

وی می گوید: خداوند در آیه «تنزیل العزیز الرحیم» خودش را به بندگانش معرفی کرده است تا حقیقت نزول قرآن را بدانند، خداوند «عزیز» است یعنی قوی و قدرتمند است و هر کاری را که اراده کند، انجام می دهد و «رحیم» است بر بندگانش، اراده اش با رحمت آمیخته شده است و در حقیقت حکمت این تنزیل «انذار و تبلیغ» است، خداوند «عزیز» است، یعنی برآوردن چنین کتاب با عظمتی قادر و تواناست، کتابی که راه و رسم زندگی را با برنامه ای منظم ترسیم کرده است و «رحیم» است زیرا رحمتش ایجاب کرده که چنین نعمت عظیمی را در اختیار انسان ها قرار دهد و پیامبری با آن عظمت را مبعوث کند تا شما انسان های خفته در خواب را بیدار کند و به «سعادت» برساند و در مسیر مستقیم قرار دهد. ۲۳

سورة ص

سید قطب می گوید: در بخش اول سوره، اصول سه گانه دین مطرح شده است و موضع گیری مشرکین مکه در برابر دعوت پیامبر اکرم(ص) بیان شده است و پیامبر را دعوت به «صبر» در مقابل کفار و مشرکین می کند.

داستان حضرت سلیمان، داود و ایوب را برای مؤمنین که در مکه مورد اذیت و آزار بودند تعریف کرده است تا به آنان بفهماند که در وادی این سختی ها، رحمت خداوند قرار دارد.

در بخش دیگری از سوره، مسأله «قیامت» و عذاب سخت آن روز را یادآور شده است و در نهایت سوره را با سخن از قرآن خاتمه می دهد، همان گونه که با سخن از «قرآن» آغاز کرده بود. ۲۴

ص و القرآن ذی الذکر

«ذکر» یعنی یادآوری توحید و معارف حقه ای که از توحید سرچشمه می گیرد مانند: معاد و نبوت؛ و در حقیقت «ذکر» همان روآوری به طرف خداوند است و این توجه به سوی خداوند، حقیقت «اول» است. در قرآن با بیان شرایع و قصص از حقیقت اول سخن به میان آمده است و وصف «ذی الذکر» برای قرآن، به واقع همان روآوری به سوی خداوند است که آیات قرآن به گونه ای است که انسان را متوجه خداوند می گرداند و این وصف اصلی برای قرآن به گونه ای است که انسان را متوجه خداوند می گرداند و این وصف اصلی برای قرآن است. ۲۵

سید قطب نوشته است که در این سوره «مقسم له» ذکر نشده است و به «مقسم به» اکتفا شده است و سپس در مورد آنچه مشرکین در آن تکبر و مخالفت کردند، سخن به میان آمده است، این انقطاع از قضیه اول یک انقطاع ظاهری است و در واقع تأکید بیشتری است بر سوگند به «قرآن ذی الذکر» و بیانگر این نکته است که آن امر بسیار مهمی که به خاطرش این سوگند یاد شده است، در حقیقت عین تکبر و مخالفت آنان است در برابر «قرآن» و کلمه «بل» نشانه «اضراب» است و بیانگر مقابله شدید با آنان می باشد. خداوند قرآن را مورد تکریم و تعظیم قرار می دهد و مشرکین نیز با آن به مخالفت و انکار برمی خیزند. خداوند در ادامه، سخن از هلاکت و نابودی کسانی که قبل از مشرکین می زیستند و آنان نیز کتاب و پیامبر زمان خود را تکذیب کردند و در نتیجه همگی آنان نابود شدند، سخن به میان آورده است، در این سوره علت تکبر و نفاق مشرکین را خاطر نشان کرده است: «عجبوا ان جاءهم منذر منهم و قال الکافرون هذا ساحر کذاب» از این که هشدار دهنده ای از خودشان برایشان آمده در شگفتند و کافران می گویند: این ساحری شیاد است. (ص: ۱۴)

و در آیه ۸: «انزل علیه الذکر من بیننا» آیا از میان ما قرآن بر او نازل شده است. (ص: ۸)، تکبر آنان آشکار گردیده است. ۲۶

سورة زخرف

حم و الکتاب المبین

سید قطب درباره تفسیر این آیات نوشته است که: خداوند در این سوره به دو حرف «حاء و میم» و «کتاب مبین» سوگند یاد کرده است و در حقیقت گویی بیان می دارد که این قرآن روشن و

اشکار از جنس همین حروف «حاء و میم» است و انسان با ترکیب همین حروف، معانی را ایجاد می‌کند و قادر است با دیگران سخن بگوید.

در این سوگند، آیه انا جعلنا قرآناً عربياً لعلکم تعقلون. (ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که بیندیشید. (زخرف/۳) جواب قسم است و ضمیر «ه» در جعلناه به کتاب برمی‌گردد. ۲۷

سوره مبارکه دخان

حم و الكتاب المبين . انا انزلناه فی ليلة مبارکه انا کنا منذرین

سید قطب می‌گوید: آیات کوتاه و آهنگین سوره، تأثیر عمیقی بر قلب‌های خفته انسان‌های سرگرم به لذات دنیا می‌گذارد، از توحید، بعثت و رسالت سخن می‌گوید و انسان‌ها را به ایمان و تقوا، حق و عدالت فرا می‌خواند و تا انتهای سوره، قلب بشری را هدف گرفته و او را متوجه عواقب کارش می‌گرداند.

سخن را از «قرآن» آغاز می‌کند و به نزول آن در شب مبارکی خبر می‌دهد و بندگان را «انذار» می‌دهد و در آیه رب السموات و الارض و ما بینهما ان کتتم موقنین؛ پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است اگر یقین دارید (دخان/۷)

پروردگار را به همگان معرفی نماید. خداوند «رب» اولین و آخرین شما انسان‌هاست و جز او خدایی نیست و همانگونه که سوره با سخن از قرآن آغاز شده بود با بیان عظمت قرآن پایان می‌پذیرد. ۲۸

سوره ق

ق و القرآن المجید

سید قطب معتقد است که خداوند به «ق» و «قرآن» سوگند یاد کرده است. وی می‌گوید: «محمد» همان «کرم» است و در قرآن هر آنچه که انسان به آن نیاز دارد، آمده است. بنابراین «کریم» است و در بعضی از آیات «مجید و حمید» با هم آمده است، حمید به معنای «مشکور» و مجید به معنای «کریم» است. ۲۹

۲. سوگند به قیامت

سوره قیامت

لا اقسیم بיום القیامة و لا اقسیم بالنفس اللوامة .

سید قطب در مورد این سوره چنین می‌نویسد:

این سوره کوچک حقایق و نشانه‌های روز قیامت را با آهنگی خاص بیان کرده است که

تأثیرات بسیاری بر قلب بشر می‌گذارد. روش و اسلوب خاص قرآنی را به کار برده تا اذهان انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. حقیقت «هوک» را به عنوان حقیقتی که هر لحظه در حال تکرار است و به واقع اولین گام به سوی قیامت می‌باشد، مطرح شده است تا انسان‌ها بدانند که هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد.

سید قطب معتقد است که این گونه سوگند یاد کردن، تأثیر شگرفی بر انسان دارد و بهترین شیوه در رساندن سخن به مخاطب است و در ورای این سوگند حقیقت «نفس لوامه» نیز مشخص و روشن می‌گردد. ۳۰

سوره بروج

و السماء ذات البروج و الیوم الموعود و شاهد و مشهود

سید قطب آهنگ کلی این سوره را به این صورت بیان می‌کند که: این سوره حقایق عقیده و پایه‌های تصور ایمانی که همه یک رشته امور بسیار عظیم و با شکوه هستند را به نمایش می‌گذارد. معانی و حقایق در این سوره مستقیماً، پیوسته و بدون واسطه بیان شده است.

موضوع اساسی این سوره بیان داستان اصحاب اخدود است که بلافاصله بعد از ذکر سوگندهای عظیم، آن را مطرح کرده است و به مالکیت و حاکمیت مطلق «الله» در آسمان‌ها و زمین اشاره دارد.

الذی له ملک السموات و الارض و الله علی کل شیء شهید. (بروج: ۹)

و در نهایت از حقیقت قرآن در مقابل تکذیب منکرانش سخن می‌گوید:

قرآن سخن حق و جداکننده حق از باطل و آخرین مرجع امور است. ۳۱

۳. سوگند به فرشتگان

سوره صافات

و الصافات صفاً . فالزجرات زجرا . فالتالیات ذکرا .

سید قطب درباره فضای کلی این سوره می‌گوید:

هدف از این سوره پایه‌گذاری اصول اعتقادی مسلمین و پاک نمودن اذهان عرب جاهلی است از شائبه‌هایی که درباره ملائکه داشتند. آنان معتقد بودند که رابطه پدر و فرزندی بین خداوند و ملائکه وجود دارد، لذا ملائکه را دختران خدا می‌دانستند، آیات آغازین این سوره این گونه شبهات بی‌اساس را رفع می‌کند. ۳۲

و الذاریات ذروا . فالعالمات وقرا . فالجاریات یسرا ، فالمقسّمات أمرا . (۱-۴)

از نظر سید قطب این سوره جو خاصی دارد . با بیان قوای چهارگانه در قالب الفاظی مبهم آغاز شده است که تأثیر شگرفی بر قلب ها و حس هادارد و نشانه سری عظیم در این سوره است . خداوند به این امور سوگند یاد کرده است تا بر عظمت آنان بیفزاید . سیاق سوره ، قلب بشری را به آسمان و عالم غیب ربط می دهد و در مطلع سوره چهره متقین ترسیم شده است . ان المتقین فی جنات و عیون (ذاریات : ۱۵)

و در ادامه نشانه های آنان بیان شده و نیز با اشاراتی صریح داستان حضرت ابراهیم ، لوط ، موسی و ... بیان شده است و برایمان و یقین واقعی تأکید شده است . ۲۳

سوره مرسلات

و المرسلات عرفا . فالعاصفات عصفا . و النّاشرات نشرأ . فالفارقات فرقا . فالملقیات ذکرا . (۱-۵)

سید قطب می گوید : خداوند سبحان در بخش اول این سوره قسم یاد کرده است بر اینکه وعده های آمدن قیامت ، وعده های صادق و محقق است . صیغه قسم در آیات آغازین سوره نشان می دهد که آنچه را که خداوند به آن قسم یاد کرده است از امور غیبی و نیروهای هستی است در حیات بشری بسیار مؤثرند . ۲۴

مفسران در حقیقت مصداق این امور اختلاف کرده اند ، برخی مصداق آیات را باد می دانند ، چنانکه در روایتی از «ابن مسعود» آمده است که «مرسلات عرفا» یعنی بادهایی که متوالی و پی در پی می وزند .

برخی دیگر مصداق آیه را «ملائکه» می دانند و به معنای این است که قسم به ملائکه ای که پی در پی فرستاده می شوند و فرستادگانی سخت گیر هستند و در مورد «فارقات و ملقیات» نیز می گویند : ملائکه هایی هستند که به امر خداوند بر رسولان نازل می شوند تا حق را از باطل جدا کنند و به آنان وحی را القا نمایند که در این امور برای خلق عذری باقی نمی ماند و هشدار برای دیگران است .

سوره نازعات

و النّازعات عرفا . و النّاشطات نشطا . و السّابحات سبحاً . فالسّابقات سبقاً . فالمدبّرات أمراً . (۱-۵)

سید قطب می گوید : این سوره نمونه ای است که قلب بشری را از حقیقت آخرت با آن همه هول و هراس و بزرگی و عظمتش ، آگاه می سازد . سیاق سوره با آهنگ های گوناگون قلب بشری را می نوازد و بر این حقیقت عظیم تأکید نموده است و با بیان صفات فرشتگان در قالب سوگندهایی عظیم پیش از بیش بر این حقیقت تأکید می کند . ۲۵

۴ . سوگند به قلم

سوره قلم

ن و القلم و ما یسطرون

سید قطب معتقد است که خداوند به «ن» و «قلم» و «نوشته» سوگند یاد کرده است . رابطه روشنی بین این سه مقسم به وجود دارد . به واقع هر نوشته ای از حروفی همانند «ن» که همان حروف الفبایی است ، تشکیل می شود و قلم ابزاری است که نوشته را شکل می دهد و این سه عنصر مهم (حروف - قلم - نوشته) از نعمت های بزرگ الهی محسوب می شوند و خداوند نیز در آیات آغازین «وحی» ، از قلم و تعلیم و تعلم سخن گفته است و در حقیقت در سوره قلم مطالب قبلی را تأکید کرده است . ۲۶

۵ . سوگند به عصر

سوره عصر

والمصر . ان الانسان لفی خسر .

سید قطب می گوید این سوره کوچک سه آیه ای با یک روش و نظام کامل برای زندگی بشریت آن طوری که اسلام خواهان آن است ، تجسم یافته است و نشانه ها و علائم اندیشه ایمانی ، با حقیقت بزرگ و فراگیرش در واضح ترین و دقیق ترین صورت بیان شده است . در این سوره همه دستورات اسلامی در کلمات کوتاه و قصار وضع گردیده و امت مسلمان را توصیف کرده است و حقیقت آن را و وظایفش را در یک آیه که آیه سوم سوره است ، بیان کرده است و این همان اعجازی است که جز خداوند کسی قادر بر آن نیست . ۲۷

۶ . سوگند به مکه

سوره تین

و هذا البلد الامین ، قسم به این شهر امن و امان ،

سید قطب می گوید : حقیقت اساسی مهمی که سوره نمایش می دهد ، همان حقیقت فطرت پایدار و استواری است که خداوند این انسان را بر پایه آن خلق کرده است . فطرت انسان به طور طبیعی به ایمان گرایش دارد و می خواهد به حد کمال برسد و علت هبوط و سقوط انسان : منحرف شده از مسیر «فطرت» است . خداوند سبحان با قسم به حقیقت «تین و زیتون و طور سینین و بلد امین» حقیقتی دیگر از

خلقت انسان را بیان کرده است. حقیقتی شگرف و عظیم که همان خلقت نیکوی انسان است و وجه تمایز او بر سایر موجودات همین خلقت شگرف اوست. ۲۸

۷. سوگند به آسمان و ستارگان

سوره طور

وَالطُّورِ . وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ . فِي رَقٍ مَّنشُورٍ . وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ . وَالسَّنْفِ الْمَرْفُوعِ . وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ . (۶ - ۱)

سید قطب آهنگ کلی این سوره را این گونه بیان می کند که: این سوره تأثیر عمیقی بر قلب بشر می گذارد و شک و شبه و تردید را از انسان دور می کند، خداوند سبحان با سوگند به مقدسات زمین و افلاکی که بعضی مشخص و معلوم هستند و برخی دیگر پنهان و مجهول می باشند، سوره را آغاز کرده است و با قسم به امور عظیم و هراس انگیزی که قلب بشر را تکان می دهد و رعب و وحشتی هول انگیز سراسر جان انسان را فرا می گیرد بر حتمی بودن عذاب الهی و عدم وجود مانع و دافعی تأکید می نماید و از نشانه های آن روز هراس انگیز و سرانجام منکرین که جهنمی سوزان است، سخن به میان آمده است.

آیه اِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ مَّالَهُ مِنْ دَافِعٍ . که عذاب پروردگارت واقع شدنی است و آن را هیچ بازدارنده ای نیست. جواب سوگندهای قبل است که با تأکید شدیدی بیان شده است.

سید قطب می گوید که «عذاب الهی» به طور طقین واقع می گردد و گریز گاهی وجود ندارد، هیچ مانعی در راه تحقق این عذاب قابل تصور نیست.

آیات کوتاه با آهنگی موزون بر قطعی بودن آن عذاب دلالت دارد. این تأثیرات رعب آور در تمام جان بشر اثر می گذارد و او را به انجام عمل و امی دارد. ۲۹

طوره طارق

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ . وَمَا أَدْرِيكَ مَا الطَّارِقُ . التَّجْمُ الثَّاقِبُ .

این سوره همانند سوره های دیگر قرآن که با سوگند آغاز شده اند، با ضرباتی پی در پی بر حس بشری، او را از خواب غفلت بیدار می کند، آهنگ مخصوص آن انسان را به هوش می آورد تا با نظر کردن در جهان طبیعت و تفکر و تدبیر در مراحل خلقت خود، پی به وجود خدایی قادر و توانا ببرد و آزمایش و ابتلای الهی را فراموش نکند، با کلماتی پر معنا نظیر «طارق، ثاقب، دافق، رجع، صدع» صحنه های شگرف را به تصویر کشیده است.

ان كل نفس لما عليها حافظ (طارق: ۲)

خداوند بعد از ذکر «مقسم به»، «مقسم له» را مطرح می کند.

سوگند به آسمان و آن ستاره درخشان که شما توان درکش را ندارید و سوگند به ستاره فروزان که هر نفسی نگهبان و محافظی دارد تا اعمال او را ثبت و ضبط کند و روز قیامت مورد محاسبه قرار دهد.

سید قطب درباره مقسم له می گوید: در این آیه ترکیبی خاص، همرا با تأکیدی شدید نهفته است. «هیچ نفسی وجود ندارد مگر آن که نگهبان و مراقبی بر او گمارده شده است تا اعمالش را یک یک بنگارد.» اینان مأموران الهی هستند و این نفس گنجینه اسرار و افکار بشر است و در واقع این نفس گرفتار جزاء و ثواب می شود. هرج و مرجی در کار نیست، انسان ها به حال خود رها نشده اند و جهان پرچ و مهمل خلق نشده است، در واقع این سخن قرآنی، الهامی پر شکوه همراه با ترس و هراس می گستراند، به گونه ای که نفس احساس می کند در خلوت خود نیز تنها نیست و نگهبانانی در همه حال مراقب او هستند.

در آیات، تشبیه جالبی آمده است، ستاره ای که در دل شب پرده های ظلمت را می شکافد و به درون تاریکی نفوذ می کند همانند محافظی است که در تمام لحظات همراه نفس است. در مجموع خداوند با سوگند به آسمان و ستاره فروزان، بر وجود این محافظین الهی تأکید کرده است. ۳۰

سوره شمس

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَيْنَهَا

سید قطب معتقد است: «ما» در این آیه معنای مصدری دارد و معنای آیه این است: سوگند به آسمان و بنای آن و به اعتقاد وی هر گاه کلمه «سما» شنیده می شود. انسان بی درنگ این آسمان بالای سرش به ذهنش خطور می کند، آسمانی که در هر کجا به آن بنگریم، به شکل گنبدی گسترده، آن را می بینیم، ستارگان و سیارات در حال حرکت در مدارهای خود پراکنده اند و نظم دقیق آن بدون هیچ گونه خلل و اضطرابی نمایان است ولی ما حقیقت و کیفیت ساخته شدن آن را درک نمی کنیم.

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَّهَا؛ سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترده (۶)

زندگی بشر و سایر موجودات به این زمین وابسته است و خداوند این گستردگی را در زمین قرار داده است.

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا؛ سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد. (۷)

به طور کلی انسان، موجودی است با دو سرنوشت، دو گونه استعداد و...

این دوگانگی در واقع داشتن استعدادهای مساوی برای خیر و شر و هدایت و ضلالت است. لذا در قرآن از این قدرت به «الهام» و «هدایت» یاد شده است. فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا

سوره نجم

و النجم اذا هوى؛ قسم به ستاره چون فرود آید.

در کل سوره موسیقی و آهنگ مقدسی وجود دارد که در ساختار لفظی سوره جریان دارد، به وسیله فواصل موزون و متناسب معنا را به سوی مقصد اصلی سوره سوق می دهد.

در آغاز سوره از امور ملکوتی و جایگاه ربانی سخن به میان آمده است و در ادامه از حرکات لطیف «روح امین» و نحوه الهام وحی به پیامبر (ص) توصیفاتی ذکر شده است.

در مطلع دوم سوره: از الهه های مشرکین «لات، عزی و منات» و توهّمات و خرافات آنان و حساب و جزا در روز قیامت و لحظاتی از عروج نورانی حضرت رسول (ص) بیان شده است، لحظاتی که حجاب ها برداشته شده و همه چیز آشکار گردیده و بدین سان خداوند بر بندگانش منت می گذارد و آن لحظات حیاتی را برای تأثیر گذاری در قلب انسان ها بازگو می کند. ۲۲

سوره واقعه

فلا اقسام بمواقع النجوم؛ سوگند به جایگاه های ویژه ستارگان .

سید قطب می گوید: قسم در این آیه برای تأکید بیشتر است و در واقع آن امر آن قدر واضح و روشن است که احتیاجی به قسم ندارد و آیه «وانه لقسم لو تعلمون عظیم» تکان شدیدی را به واسطه قسم و عدول از آن ایجاد می کند، با این روش تأثیر عمیقی در تثبیت و تقدیر حقیقت می گذارد، خداوند سبحان با قسم به جایگاه ستارگان، حق بودن قرآن را و این که قرآن از طرف رب العالمین است را مورد تأکید قرار داده است.

آیه «انه لقرآن کریم» جواب قسم است. سید قطب می گوید: مشرکان آیات الهی را، کهانت کاهن و یا سخنان جنون آمیز و شعرگونه پیامبر و القا شده از طرف شیاطین می دانستند، خداوند در این آیات پاسخ مشرکین را می دهد و قرآن را معرفی می کند، قرآن در ذات، شکل، معنا و هدف «کریم» است و از هر خطا و تحریفی مصون و محفوظ است. و فقط مطهرون می توانند به آن دست بزنند و قرآن از طرف خداوند جهانیان نازل شده است. تنزیل من رب العالمین. ۲۳

۸. سوگند به شب و روز

سوره انشقاق

فلا اقسام بالشفق . و اللیل و ما وسق . و القمر اذا انشق (۱۸-۱۶)

این سوره با بیان بعضی از صحنه های هولناک و تکان دهنده در جهان هستی آغاز

می شود، نشانه های روز قیامت را همان گونه که در سوره تکویر، انفطار و نباء آمده است، بیان می کند. تفاوت این سوره با سوره قبل این است که آیاتش طبیعت و وزن خاصی دارد. تسلیم شدن آسمان و زمین در برابر خداوند، در کمال خشوع و اطاعت بیان می دارد:

اذا السماء انشقت، اذنت لربها و حقت و... این آغاز خاشعانه و شکوهمند، مقدمه ای است برای خطاب به انسان و القاء خشوع در قلب او، در مقطع دیگر سوره با قسم به مخلوقات عظیم، از حالات گوناگون انسان خبر می دهد.

سید قطب در رابطه با جواب قسم می گوید: آیه (لترکبن طبقاً عن طبق) بیانگر این نکته است که انسان با فشار و زحمت از حالتی به حالت دیگر انتقال می یابد و این انتقال بر اساس تقدیر الهی صورت می گیرد. قرآن از انتقال حالت پی در پی به «رکوب» تعبیر کرده است که در زبان عربی نیز این تعبیر در مورد سوار شدن بر خطرها و ترس ها به کار می رود. (این المضطر یرکب الصعب من الامور و هو عالم برکوبه؛ انسان درمانده بر کارهای دشوار سوار می شود در حالی که خود به سوار شدن به آنها آگاه است.)

سید قطب می گوید:

به طور کلی جهان هستی در حال تغییر و تحول است. شفق و شب و ماه، نیز از پدیده های متغیر هستند که خداوند با سوگند یاد کردن به آنها، تغییر حالات انسان ها را مورد تأکید قرار داده است. ۲۴

سوره فجر

و الفجر . ولیال عشر (۲-۱)

سید قطب این سوره را حلقه ای از حلقه های این جزء از قرآن می داند که قلب بشری را به سوی ایمان و تقوا و بیداری و تدبیر سوق می دهد و رنگ های گوناگونی از تحریفات و تناسبات را مطرح می کند، سخن واحد اما همراه با نغمه های گوناگون در آیاتش، تأثیر شگرفی در مفاهیم آن می گذارد و قلب های بشری را متأثر می گرداند.

به عقیده سید قطب در ظاهر آیات هیچ گونه قیدی نیامده است. بنابراین شب های دهگانه را باید مطلق دانست، در این صورت معنا لطیف تر و مؤثرتر خواهد بود. و ده شبی که فقط خداوند به آن علم دارد و به لحاظ شأن و مرتبه ای که دارد به آن سوگند یاد شده است، همانند موجودات زنده ای از آنان یاد شده که روح لطیفی دارند و بهترین زمان راز و نیاز با خداوند هستند و به تناسب آیه بعد (و الشفق و الوتر) این تعبیر شیواتر می گردد.

در باره جواب قسم، وی معتقد است که سیاق سوره، جواب قسم را در خود پوشانده

است. گرفتار شدن طغیان گران و کافران به دست توانای خداوند به واقع جواب قسم است. سوگندهای دقیق و لطیف این سوره بر این مسئله تأکید می‌کند. ۲۵

سوره شمس

و الشمس و الضحی . و القمر إذا تلهی . و النهار إذا جلتها . و اللیل إذا یخشها . (۱-۶)

این سوره کوتاه دارای قافیه واحد و موسیقی یکنواخت و هماهنگ است، برخورد های وجدانی لطیف همراه با صحنه های بسیار زیبا و دل انگیز، آن حقیقت بزرگی که سوره درصدد بیان آن است را به تصویر کشیده است.

حقیقت نفس انسانی و استعداد های درونی او و سرنوشت انسان، حقایقی هستند که سیاق سوره با حقایق جهان هستی آنان را ربط می‌دهد، داستان قوم ثمود و تکذیب آنان و تلاش های پیامبران صالح، نمونه ای است از انسان های فرو رفته در فسق و فجور که سرنوشت فلاکت باری داشتند و اینان آن حقیقت واقعی که در درونشان وجود دارد را نشناخته اند.

سید قطب می‌گوید: در مورد آیه و القمر اذا تلهی؛ سوگند به ماه آن گاه که خورشید را دنبال می‌کند. ماه نور لطیف و شفاف خود را از خورشید می‌گیرد. میان ماه و قلب انسان، مهر و محبتی عمیق وجود دارد. مهر و محبتی که در اعماق تار و پود وجود او ریشه دوانده است.

خداوند به روشنائی روز و تلالؤ نور ماه سوگند یاد کرده است. این سوگندها تأثیر بسزایی در قلب انسان می‌گذارد.

سید قطب آیه «قد افلح من زکیها» را جواب قسم می‌داند و ضمیر را به «من» بر می‌گرداند. یعنی به تحقیق رستگار است کسی که خودش را تزکیه کند مانند: آیه قد افلح من تزکی خداوند فلاح و رستگاری را به فعل و عمل مربوط ساخته است. ۲۶

سوره ضحی

و الضحی . و الیل إذا سجدی (۱-۲)

این سوره نوازش لطیفی دارد، موضوعش، تعبیرش و صحنه هایی که به تصویر کشیده همه دل انگیز است، از رحمت بی پایان خداوند نسبت به پیامبر (ص) سخن می‌گوید و هم راز و نیازی است با پیامبر عزیز و گرامیش، براستی آوای حیاتبخش است بر روح آزوده و رنجیده پیامبر، الطاف بی پایانی است. از نزدیک و تقرب و قلب دردمند و مجروح پیامبر را التیام می‌بخشد.

سید قطب معتقد است که این دو لحظه که خداوند به آنها سوگند یاد نموده است. پرفصواترین و بی آرایش ترین لحظات شب و روز هستند که خداوند با سوگند به این دو لحظه دلپذیر و الهامگر در حیات دنیوی بین پدیده های این جهان و قلب بشری که مملو از شعور و احساس است،

ارتباط برقرار می‌کند و رسولش را مورد حمایت خود قرار می‌دهد و به گونه ای لطیف مورد محبت خویش قرار می‌دهد و بدین سان سخنان دشمنان حضرت را باطل می‌سازد. ۴۷

نتیجه گیری

در حقیقت خداوند متعال با سوگند یاد کردن به ذات و ربوبیت خویش و نیز با سوگند به مخلوقات با عظمتش چون ملائکه، خورشید و ماه، آسمان و ستارگان، قرآن و... از یک سو عظمت و جلالت این امور را مشخص می‌نماید و بدین سان انسان را به تدبیر و تفکر در این امور عظیم فرا می‌خواند و از سوی دیگر با این شیوه بیانی شگرف، اصول اساسی دین یعنی توحید، نبوت و معاد را به اثبات می‌رساند.

سید قطب معتقد است آیاتی را که خداوند در آنها قسم یاد کرده است، به معرفت های قلبی اشاره دارد، به اینکه بشر باید بداند در وراء این امور مادی که با چشم و حواس ظاهری درک می‌شوند، اسراری که قابل رؤیت و درک بشر نیستند، وجود دارد. افق تصور انسانی در مورد این مسائل و حقیقت آنها باید گسترش یابد. که برای راه یابی به ماوراء این امور و اتصال به حق، انسان به «ایمان و شعور» نیاز دارد. علم و ایمان منافذ نور را به نفس انسان باز می‌کند تا به معرفت حقیقی پی ببرد.

مکی و مدنی

سید قطب قرآن را به دو بخش مکی و مدنی تقسیم می‌کند و محور سوره های مکی و مدنی را در راستای هدف کلی قرآن تعیین می‌نماید، سپس به روایات و نظریات دیگران در این خصوص می‌پردازد اما تکیه گاه اصلی او در اظهار نظر درباره مکی و مدنی بودن سیاق آیات است، که با این معیار و بدون در نظر گرفتن آراء دیگران درباره آنها نظر می‌دهد.

بنابراین مقدماتی که در آغاز سوره ها آورده است، اصول و روش کار و سبک تفسیر فی ظلال را از یک سو و دیدگاه های سید قطب درباره قرآن و هر سوره را از سوی دیگر مشخص کرده و خواننده را به افق های دور دستی می‌برد که پیش از این با آن آشنایی کامل نداشته است.

١. سيد قطب، تفسير في ظلال القرآن، ١١/١.
٢. صلاح الخالدي، مدخل الى ظلال القرآن/١٩٨ سيد محمد علي ايازي، المفسرون حياتهم ومنهجهم/٥١٣.
٣. همان/٥١٢.
٤. تفسير في ظلال القرآن، ١٣١/١-١٣٧.
٥. همان، ٥٥/٣ و ٥٦.
٦. همان، ٤٧/٧.
٧. سيوطي، الاتقان في علوم القرآن، ١٠٧/١.
٨. علامه مجلسي، بحار الانوار، ١٣٨/٤٠-١٥٧.
٩. فصلنامه پژوهش های قرآنی/١٥، بهار ١٣٧٤.
١٠. تفسير في ظلال القرآن، ٢٦١٢/٥.
١١. همان، ١٩٠٨/٤.
١٢. همان/٢٢٨٩.
١٣. همان، ١٠٨٨/٢ و ١٠٥٩.
١٤. همان، ١٨٨١/٤.
١٥. همان/١٨٨١ و ٢٢٩٠.
١٦. همان، ١٠٨٨/٢ و ١٠٨٩.
١٧. همان، ١٨٨١/٤ و ٢٢٩٠.
١٨. همان/٢٣٩٨.
١٩. همان، ١٠١٢/٢، ١٠١٣.
٢٠. همان، ٢٤١/١-٢٤٢.
٢١. همان/٥٥-٥٦.
٢٢. همان، ١٩٤٣/٢، ١٠٤٢/٢، ٢٤٢٤/٥ و ٢٤٢٥.
٢٣. همان، ٢٩٥٨/٥-٢٩٦٠.
٢٤. همان/٣٠٥.
٢٥. همان/٢٠٠٧.
٢٦. همان/٣٠٠٧.
٢٧. همان/٣١٦٦.
٢٨. همان/٦ و ٣٢.
٢٩. همان/٣٣٥٧.
٣٠. همان، ٣٧٦٦/٦-٣٧٦٨.
٣١. همان/٣٨٧٢.
٣٢. همان، ٥/٢٩٨٠.
٣٣. همان، ٦/٣٣٧٣.
٣٤. همان/٣٧٩١.
٣٥. همان/٣٨١١.
٣٦. همان/٣٦٥٥.
٣٧. همان/٣٩٦٤.
٣٨. همان/٣٩٣٢.
٣٩. همان/٣٣٩٢ و ٣٣٩٣.
٤٠. همان/٣٨٧٧-٣٨٧٩.
٤١. همان/٣٩١٧.
٤٢. همان/٣٤٠٤.
٤٣. همان/٣٤٦١.
٤٤. همان/٣٨٦٥-٣٨٦٦.
٤٥. همان/٣٩٠٢-٣٩٠٣.
٤٦. همان/٣٩١٥-٣٩١٨.
٤٧. همان/٤١١٢-٤١١٣.